

واکاوی نقش فقر بر گسترش توسعه مالی در کشورهای منتخب

سعید ایرانمنش^۱

چکیده

فقر و نابرابری درآمدی یک معضل همیشگی است که همواره چالش‌هایی را برای جوامع به وجود آورده است. در این مطالعه به بررسی نقش فقر به عنوان یکی از شاخص‌های نابرابری درآمدی و اقتصادی بر گسترش توسعه مالی پرداخته شده است. علاوه بر این پژوهش حاضر بدنبال پاسخ به این سوال است که آیا تاثیر فقر بر توسعه مالی به سطح باز بودن تجارت کشورها بستگی دارد یا به عوامل دیگر بستگی دارد. برای نیل به اهداف مذکور، از مدل پانل آستانه‌ای برای ۳۵ کشور در حال توسعه و توسعه یافته طی دوره زمانی ۲۰۲۱-۲۰۰۰ استفاده شده است. همچنین به منظور اجتناب از مشکل درونزایی از روش SLS ۲ و بکارگیری متغیرهای ابزاری استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که تا وقتی درجه باز بودن تجاری از ۷۱ درصد کمتر باشد، افزایش فقر موجب کاهش شدیدتر توسعه مالی در اقتصاد می‌شود و زمانی که درجه باز بودن بیشتر از ۷۱ درصد باشد، افزایش فقر موجب کاهش کمتری در توسعه مالی می‌شود. همچنین نتایج برآورد مدل نشان می‌دهد که لگاریتم درآمد سرانه، پس‌انداز و تراکم جمعیت تاثیر مثبت و معنی‌داری بر توسعه مالی دارند. نتیجه‌گیری کلی بیانگر آن است که افزایش درجه باز بودن اقتصاد موجب کاهش اثرات محدودکننده فقر بر گسترش توسعه مالی می‌شود.

طبقه بندی JEL: G۲۰، D۶۳، C۳۳

واژه‌های کلیدی: فقر، توسعه مالی، نابرابری درآمدی، مدل پانل آستانه‌ای

^۱ نویسنده مسئول، گروه اقتصاد و حسابداری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران. رایانامه:

saeed.iranmanesh@yahoo.com

۱. مقدمه

فقر که یک مفهوم پر کاربرد و معنادار در همه کشورهای جهان است، نمودی از توسعه نیافتگی می باشد و به دلیل آثاری که به همراه دارد مشکلات زیادی را برای جوامع به وجود آورده است بطوریکه میلیون ها نفر از مردم به دلیل فقر مطلق، قادر به تامین غذا، لباس و سرپناه برای خود نیستند، میلیون ها کودک نمی توانند آموزش با کیفیت دریافت کنند، همچنین مشکلات تامین خدمات بهداشتی، فقدان پس انداز و عدم وجود سرمایه گذاری از جمله آثار فقر هستند که باید مورد توجه کشورهای قرار گیرند (کولیر و دلار، ۲۰۰۲). از این روی کاهش فقر در دستور کار مرکز توسعه بین المللی و نیز استراتژی های توسعه ملی قرار دارد (جی نانگنون، ۲، ۲۰۲۱).

افزایش توسعه مالی یکی از ابزارهایی است که سیاستگذاران در سطح ملی برای دستیابی به هدف کاهش فقر در نظر می گیرند. برخی از مطالعات تجربی نشان داده اند که توسعه مالی عاملی مهم برای کاهش فقر است. می توان این سوال را نیز مطرح کرد که آیا سطح فقر در یک کشور برای توسعه بخش مالی آن اهمیت دارد یا خیر. از این رو ادبیات مربوطه نشان داده است که فقر بر سرمایه انسانی (آذریادیس و استاچورسکی ۳، ۲۰۰۵؛ بین و همکاران ۴، ۲۰۱۳)، باز بودن تجارت (جی نانگنون، ۲۰۲۰) و تنوع محصول صادراتی (جی نانگنون، ۲۰۱۹) تاثیر منفی دارد. این سه عامل یعنی سرمایه انسانی، باز بودن تجاری و تنوع محصول صادراتی عناصر مهمی برای توسعه بخش مالی هستند. انباشت سرمایه انسانی ارتباط مثبتی با توسعه مالی دارد (ابراهیم و ساره ۵، ۲۰۱۸؛ خان، گو و همکاران ۶، ۲۰۲۰) و مشخص شده است که باز بودن تجاری نیز بر توسعه مالی تأثیری مثبت دارد (کیم و همکاران ۷، ۲۰۱۰؛ ژانگ و همکاران ۸، ۲۰۱۵) همچنین تنوع محصول صادراتی به توسعه مالی مثبت منجر می شود (جی نانگنون، ۲۰۲۱).

اگرچه فقر و نابرابری در آمدی یک پدیده جهانی است اما کشورهای در حال توسعه را بیش از سایر کشورها تحت تاثیر قرار می دهد. توجه اندک به تاثیر فقر بر توسعه مالی در ادبیات موضوع و همچنین عدم وجود مطالعات داخلی مربوط به این مبحث نویسنده را به بررسی تأثیر فقر بر توسعه مالی در کشورهای در حال توسعه ترغیب کرده تا این خلا در ادبیات را پر کند. تجزیه و تحلیل یافته ها با استفاده از یک مجموعه داده متشکل از ۳۵ کشور در حال توسعه و توسعه یافته در دوره ۲۰۰۰-۲۰۲۱ به روش پانل آستانه ای انجام شده است.

در بخش دوم چگونگی تاثیر فقر بر توسعه مالی و نیز پاسخ به این سوال که آیا تاثیر فقر بر توسعه مالی به سطح باز بودن تجاری کشورها بستگی دارد یا خیر؟ مورد بررسی قرار خواهد گرفت، در این بخش همچنین برخی از مطالعات مرتبط با پژوهش ذکر شده است. الگوی پژوهش در بخش سوم معرفی می گردد. بخش چهارم یافته های تجربی را ارائه کرده و بخش پنجم که پایان بخش پژوهش است به نتیجه گیری و پیشنهادات اختصاص دارد.

۲. ادبیات موضوع

۲-۱. مبانی نظری

۱-۲-۱. تاثیر فقر بر توسعه مالی

^۱ Collier & Dollar

^۲ Gnanon

^۳ Azariadis & Stachurski

^۴ Bin et al

^۵ Ibrahim & sare

^۶ Khan, Gu, et al

^۷ Kim et al

^۸ Zhang et al

فقر که با کمبود، درماندگی و ناتوانی در زندگی درست شناسایی می‌شود (زله‌ر و راتناسیح، ۲۰۲۱)، مردم را از لذت بردن از یک زندگی مناسب باز می‌دارد (گالبرایت، ۲، ۱۹۵۸). درآمدهای پائین، رشد ثروت افراد را محدود می‌کند و می‌تواند آن‌ها را در دام فقر بیاندازد (میرزا و همکاران، ۳، ۲۰۱۹). فقر همچنین موفقیت کودکان را محدود می‌کند و خطر ترک زود هنگام مدرسه را افزایش می‌دهد (هیل و سندفورت، ۴، ۱۹۹۵). به گفته‌ی هانسون و همکاران (۵، ۲۰۱۳) کودکان در خانواده‌هایی با وضعیت اجتماعی-اقتصادی پایین نسبت به خانواده‌هایی با وضعیت اجتماعی-اقتصادی بالا، حجم ماده خاکستری مغز کمتری دارند. بنابراین چنین کودکانی با توجه به پائین بودن ماده خاکستری مغز برای پردازش اطلاعات و اجرای اقدامات، در مدرسه بیشتر در معرض مشکلات هستند و سرمایه انسانی کمتری را انباشته می‌کنند. علاوه‌براین ملایناتان و شفیر (۶، ۲۰۱۳) بر تاثیر روانشناسی فقر بر والدین والدین کودکان تاکید کرده و بیان داشتند که والدین فقیر از انجام سرمایه‌گذاری‌های پرریسک (مانند آموزش و ارتقای سلامت فرزندان) پرهیز می‌کنند. تاثیر منفی فقر بر توسعه سرمایه انسانی به‌ویژه زمانی افزایش می‌یابد که افراد فقیر دسترسی محدودی به بازارهای اعتباری داشته باشند (بانرجی و دوفلو، ۷، ۲۰۱۴؛ کاروالیو و همکاران، ۸، ۲۰۱۶). بنابراین افزایش فقر باعث کاهش سرمایه‌گذاری افراد فقیر در سرمایه انسانی به‌عنوان مثال آموزش و سلامت (لوپز، ۹، ۲۰۰۶؛ ساچز، ۱۰، ۲۰۰۵) و ایجاد نیروی کار نامولد یا کم‌مولد می‌شود (برونینگ و مجید، ۱۱، ۲۰۲۰) در این بین انباشت سرمایه انسانی برای توسعه مالی حیاتی است (خان و همکاران، ۱۲، ۲۰۲۰؛ سیبل و همکاران، ۱۳، ۲۰۱۵). شواهد تجربی نشان داده است که بهبود سطح تحصیلات، هم مشارکت در بازارهای مالی را افزایش می‌دهد و هم احتمال ورشکستگی و عدم پرداخت وام توسط افراد را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد (کول و همکاران، ۱۴، ۲۰۱۴).

فقر بیشتر منجر به انباشت سرمایه انسانی کمتر از جمله سطح آموزش پایین‌تر می‌شود. در عین حال از لحاظ نظری توسعه سرمایه انسانی می‌تواند با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش تقاضا برای خدمات و ابزارهای مالی، توسعه مالی را ارتقا دهد (حاتمی و شمس‌الدین، ۱۵، ۲۰۱۶). بنابراین انتظار می‌رود که سطوح فقر بالاتر با سطوح پایین‌تر توسعه بخش مالی همراه باشد. از این روی فرض می‌شود که نرخ‌های فقر بالاتر با انباشت کمتر سرمایه انسانی توسعه مالی را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر انتظار می‌رود که فقر در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای پیشرفته تاثیر منفی بیشتری بر توسعه مالی داشته باشد. به این دلیل که کشورهای پیشرفته‌تر نسبت به کشورهای کمتر پیشرفته، منابع بسیار بیشتری (از جمله منابع مالی و منابع انسانی) برای کاهش اثر فقر بر توسعه مالی دارند (جی‌نانگنون، ۲۰۲۱).

۱-۲-۲. تاثیر فقر بر توسعه مالی با توجه به سطح باز بودن تجاری

مبارزه با فقر به عنوان یکی از اهداف اصلی سیاست‌ها و راهبردهای توسعه تلقی می‌شود. در نتیجه نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، سیاست‌ها و تلاش‌های خود را در جهت کاهش فقر بکار می‌گیرند. این بخش بررسی می‌کند که

¹Zulher & Ratnasih

²Galbraith

³Mirza et al

⁴Hill & Sandfort

⁵Hanson et al

⁶Mullainathan & Shafir

⁷Banerjee & Duflo

⁸Carvalho et al

⁹Lopez

¹⁰Sachs

¹¹Breunig & Majeed

¹²Khan et al

¹³Sibel et al

¹⁴Cole et al

¹⁵Hatemi & Shamsuddin

آیا تاثیر فقر بر توسعه مالی به سطح باز بودن تجاری کشورها بستگی دارد یا خیر؟. اثر نهایی فقر بر توسعه مالی ۱- بستگی به جهتی دارد که فقر بر باز بودن تجاری تاثیر می گذارد ۲- و نیز جهتی که باز بودن تجارت بر توسعه مالی اثر می گذارد. از یک سو، جی نانگون (۲۰۲۰) بر اساس شواهد تجربی بیان کرد که فقر به طور مثبت با باز بودن تجارت در کشورهای در حال توسعه ی پیشرفته مرتبط است، اما سطح باز بودن تجارت را در کشورهای در حال توسعه کمتر پیشرفته (کشورهای فقیر) کاهش می دهد. از لحاظ نظری، چنین تاثیری به طور کلی از طریق کاهش منابع مالی و انسانی ناشی از فقر برای خانوارها و دولت ها رخ می دهد. با اینحال شواهد توضیحاتی برای اثر باز بودن تجاری مثبت ناشی از فقر بیشتر در کشورهای در حال توسعه پیشرفته ارائه کرده است. این اثر بدین علت اتفاق می افتد که احتمالاً این کشورها حتی در شرایط افزایش فقر، برای تامین منابع مالی به منظور توزیع مجدد درآمد به نفع مردم فقیر و ارائه یارانه به شرکت های تجاری و فقرا ظرفیت بیشتری دارند. در این شرایط افراد فقیر برای افزایش مصرفشان تشویق می شوند و شرکت های بازرگانی نیز تمایل دارند در فعالیت های مرتبط با تجارت سرمایه گذاری کنند تا عملکرد صادراتی خود را در بازار تجارت بین المللی افزایش دهند. در این دیدگاه، فقر بیشتر می تواند باعث باز بودن تجاری بیشتر شود. از طرفی در کشورهایی که دارای بخش مالی نسبتاً توسعه یافته، مزیت نسبی در صنایع و متکی به تامین مالی خارجی هستند، باز بودن تجارت می تواند توسعه مالی را ارتقا دهد (کلتزر و باردن ۱، ۱۹۸۷). در مقابل کشورهایی که عمدتاً صادرکننده کالاها هستند و به تامین مالی خارجی متکی نیستند، سرعت توسعه مالی کندتری را تجربه خواهند کرد.

پیش بینی جهت اثر غیرمستقیم فقر بر توسعه مالی از طریق کانال باز بودن تجارت دشوار است. با این وجود، می توان فرض کرد که اگر فقر باعث باز بودن تجاری بیشتر شود و به نوبه خود باز بودن تجارت منجر به توسعه مالی بیشتر شود، آنگاه فقر احتمالاً در کشورهایی که تجارت بین المللی را بازتر می کنند توسعه مالی را ارتقا می دهد. برعکس اگر فقر منجر به کاهش سطح باز بودن تجاری شود و در نتیجه بر توسعه مالی تاثیر منفی بگذارد، می توان انتظار داشت که افزایش نرخ های فقر توسعه بخش مالی را تضعیف کند زیرا کشورها اقتصاد خود را به روی تجارت بین المللی باز می کنند.

۲-۲. پیشینه پژوهش

در این پژوهش به بررسی اثر فقر بر توسعه مالی پرداخته شده است. پژوهش حاضر بدنبال پاسخ به این سوال است که آیا تاثیر فقر بر توسعه مالی به سطح باز بودن تجارت کشورها بستگی دارد یا خیر؟. به دلیل نوآوری موضوع پژوهش حاضر، به نظر می رسد مطالعات پیشین بصورت مستقیم این موضوع را مورد بررسی قرار نداده اند، لذا در این بخش به برخی از مطالعاتی که قرابت بیشتری با پژوهش حاضر دارند، پرداخته می شود.

مطالعات خارجی:

راجان و زینگالس (۲۰۰۳) طی دوره ۱۹۹۹-۱۹۱۳ برای ۲۴ کشور صنعتی یک رابطه سه متغیره را بین باز بودن تجاری، باز بودن مالی و توسعه مالی بررسی و بیان کردند که گشایش اقتصاد به روی باز بودن تجاری و ورود سرمایه به کشورها می تواند توسعه مالی را ارتقا دهد، زیرا هم تجارت و هم امور مالی باعث ایجاد رقابت می شوند و باز بودن تجاری بدون باز بودن مالی بعید است باعث توسعه مالی شود و احتمالاً منجر به سرکوب مالی بیشتر بنگاه های جدید و نیز افزایش یارانه های تسهیلاتی می گردد. همچنین، متصدیان بنگاه صنعتی از تامین مالی ارزان برای رقابت کردن برخوردار می شوند.

بالتاجی و همکاران (۲۰۰۹) به بررسی توسعه مالی و باز بودن تجارت در ۴۲ کشور درحال توسعه طی سال‌های ۲۰۰۳-۱۹۸۰ با استفاده از روش GMM پرداخته‌اند. شواهد تجربی نشان دادند که اقتصادها قبل از توسعه بخش بانکی لزوماً نیازی به باز بودن تجاری و جریان ورود سرمایه ندارند. در واقع با توجه به نتایج، گشایش اقتصادی در هر یک از حالات باز بودن تجارت بین‌المللی و یا ورود جریان سرمایه، همچنان می‌تواند از نظر توسعه بخش بانکی سودآور باشد.

کیم و همکاران (۲۰۱۰) اثر پویای باز بودن تجارت بر توسعه مالی را طی دوره ۲۰۰۵-۱۹۶۰ برای ۸۸ کشور بررسی کردند. آن‌ها دریافتند که برای کشورهای نسبتاً کم درآمد یا اقتصادهای با تورم بالا در بلندمدت بین باز بودن تجارت و توسعه مالی یک رابطه مثبت و نیز در کوتاه‌مدت یک رابطه منفی بین باز بودن تجارت و توسعه مالی وجود دارد.

ژانگ و همکاران (۲۰۱۵) تاثیر باز بودن تجارت و باز بودن مالی بر توسعه مالی را در ۳۰ استان چین طی سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۰ مورد بررسی قرار دادند. نتایج تخمین‌زن GMM نشان داد که هم باز بودن تجارت و هم باز بودن مالی تاثیر منفی بر اندازه توسعه مالی دارند، حتی اگر بطور مثبت بر کارایی مالی و رقابت تاثیر بگذارند.

اشرف (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای با بکارگیری روش GMM اهمیت باز بودن مالی و تجاری در توسعه مالی را برای ۲۸۷ بانک از ۳۷ کشور نوظهور طی دوره ۲۰۱۲-۲۰۰۰ مورد بررسی قرار داد. یافته‌ها حاکی از آن است که باز بودن تجارت بیشتر موجب تقاضای بیشتر برای امور مالی، آزادسازی بخش مالی داخلی و افزایش فرصت‌ها برای تنوع بخشیدن به وام‌دهی می‌شود که این موارد به کاهش هزینه و ریسک اعتبار بانکی و افزایش همزمان حجم اعتبار بانکی کمک می‌کند. ابراهیم و ساره (۲۰۱۸) طی سال‌های ۲۰۱۵-۱۹۸۰ با بکارگیری روش GMM عوامل تعیین‌کننده توسعه مالی در آفریقا را با در نظر گرفتن باز بودن تجاری و سرمایه انسانی برای ۴۶ کشور مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های تجربی نشان داد که سرمایه انسانی و باز بودن تجاری بطور قابل توجهی با توسعه مالی مرتبط است.

جی‌نانگنون (۲۰۲۰) در بازه زمانی ۲۰۱۴-۱۹۸۰ تاثیر فقر بر باز بودن تجارت در ۹۹ کشور در حال توسعه را مورد بررسی قرار داد. یافته‌ها نشان داد که فقر اثری منفی بر باز بودن تجارت داشته و در نهایت این اثر به سطوح توسعه کشورهای بستگی دارد که با توجه به درآمد سرانه واقعی‌شان تعیین می‌شود. در واقع افزایش سطح فقر، باز بودن تجاری را در کشورهای نسبتاً فقیر کاهش می‌دهد اما در اقتصادهای نسبتاً پیشرفته افزایش فقر باز بودن تجاری را افزایش می‌دهد. جی‌نانگنون (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای برای ۱۳۶ کشور به بررسی تاثیر فقر بر توسعه مالی طی سال‌های ۲۰۱۷-۱۹۹۵ پرداخته است. نتایج برآوردگر دو مرحله‌ای گشتاورهای تعمیم‌یافته سیستمی نشان داد که نرخ‌های فقر بالاتر توسعه بخش مالی را تضعیف می‌کند. در واقع، نرخ بالاتر فقر در کشورهایی که سرمایه انسانی کمتری انباشته می‌کنند، با توسعه مالی کمتر همراه است. همچنین نرخ‌های فقر بالاتر، گسترش بخش مالی را در چارچوب سطوح پایین‌تر باز بودن تجارت تضعیف می‌کند.

۳. روش‌شناسی و داده‌ها

هدف پژوهش حاضر بررسی اثر فقر بر توسعه مالی در ۲۵ کشور درحال توسعه و توسعه یافته طی سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۰۰ می‌باشد. پژوهش حاضر بدنبال پاسخ به این سوال است که آیا تاثیر فقر بر توسعه مالی به سطح باز بودن تجارت کشورهای بستگی دارد یا خیر؟ از این روی در این بخش به ارائه الگوی پژوهش و معرفی داده‌ها و متغیرها پرداخته خواهد شد.

تصریح الگو، معرفی داده‌ها و متغیرهای پژوهش

^۱Baltagi et al

^۲Generalized method of moments

^۳Kim et al

برای بررسی تجربی اثر فقر بر توسعه مالی، یک مدل پایه در نظر گرفته می‌شود که در آن متغیر کلیدی نشانگر فقر است. همچنین چند متغیر کنترلی نیز در نظر گرفته شده که شامل: لگاریتم درآمد سرانه، درجه باز بودن تجاری، نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی (پس‌انداز) و تراکم جمعیت است. شایان ذکر است، متغیر سرمایه انسانی که کانالی است که فقر می‌تواند بر توسعه مالی تأثیر بگذارد در مدل لحاظ نشده است. از این روی پاتریک^۱ (۱۹۶۶) از نظر اثر مورد انتظار متغیرهای کنترلی بر توسعه مالی جنبه‌های پیشرو عرضه و تقاضای توسعه مالی را مورد تأکید قرار داده است. نقش پیروی عرضه بر این ایده استوار است که مؤسسات مالی انتقال منابع از بخش‌های سنتی به بخش‌های مدرن را تسهیل می‌کنند (گورلی و شاو^۲، ۱۹۵۵؛ گلداسمیت^۳، ۱۹۶۹). این امر به‌ویژه در کشورهایی که از سطح درآمد بالاتری برخوردارند صادق است. بدین جهت که این کشورها در ارائه خدمات مولد روندی صعودی داشته‌اند که به نوبه خود، توسعه مالی را تحریک خواهد کرد. استدلال پیروی تقاضای توسعه مالی بدین صورت است که با گسترش اقتصاد، بخش مالی آن توسعه می‌یابد زیرا ممکن است بخش خصوصی تقاضای خود را برای ابزارهای مالی جدید افزایش دهد و دسترسی بهتری به منابع مالی خارجی داشته باشد (دیوید و همکاران^۴، ۲۰۱۴؛ کوزنتس^۵، ۱۹۵۵).

راجان و زینگالس (۲۰۰۳) نیز خاطر نشان کردند که افزایش توسعه مالی به باز بودن همزمان جریان‌های تجاری و سرمایه بستگی دارد. همچنین متغیر نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی (پس‌انداز) نیز در مدل اقتصاد وارد می‌شود زیرا پس‌انداز بالاتر (بدلیل نرخ بهره واقعی مثبت) می‌تواند توسعه مالی را ارتقا دهد (آرستیس^۶، ۲۰۰۵؛ مک‌کینون^۷، ۱۹۷۳). علاوه بر این در مراحل اولیه توسعه مالی، کشورها معمولاً توسعه فعالیت‌های بخش مالی را در مناطق جغرافیایی با تراکم جمعیت بالا و ارائه‌دهنده بیشتر خدمات مالی آغاز می‌کنند. این امر به‌ویژه در شهرهایی با تراکم جمعیت بالا که دارای متوسط درآمد نسبتاً بالا و سطوح پایین فقر هستند، صادق است (آلوکو و آجای^۸، ۲۰۱۸؛ شهباز و همکاران^۹، ۲۰۱۸). در واقع تراکم جمعیت به طور مثبت با توسعه مالی مرتبط است. از این روی تراکم جمعیت نیز در مدل وارد خواهد شد. در ادامه مدل تجربی به صورت یک مدل آستانه‌ای تصریح خواهد شد.

$$FD_{it} = \beta_0 + A[OPEN_{it} \leq \gamma] * \beta_1 POV_{it} + A[OPEN_{it} > \gamma] * \beta_2 POV_{it} + \beta_3 LGDPC_{it} + \beta_4 SAVING_{it} + \beta_5 POPDENS_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

$$A[OPEN_{it} > \gamma] = 1 \quad \text{if } [OPEN_{it} > \gamma]$$

$$A[OPEN_{it} \leq \gamma] = 1 \quad \text{if } [OPEN_{it} \leq \gamma]$$

متغیر وابسته FD نمایانگر شاخص توسعه مالی است. در ادبیات، هیچ اتفاق نظری در مورد بهترین واحد و شاخصی که بتواند به‌طور کامل میزان توسعه مالی یک کشور را منعکس کند وجود ندارد. از این روی چندین شاخص توسعه مالی در ادبیات تجربی مورد استفاده قرار گرفته است. در پژوهش حاضر از شاخص توسعه مالی معرفی شده توسط صندوق بین‌المللی پول استفاده می‌شود. این شاخص شامل ابعاد متعدد توسعه مالی است و چگونگی توسعه مؤسسات مالی و بازارهای مالی را نشان می‌دهد که شامل سه بعد: عمق (اندازه و نقدینگی)، دسترسی (توانایی افراد و شرکت‌ها برای دسترسی به خدمات مالی) و کارایی (توانایی مؤسسات در ارائه خدمات مالی با هزینه کم و درآمدهای پایدار و سطح فعالیت بازارهای سرمایه) می‌باشد. LGDPC نمایانگر درآمد سرانه، OPEN

^۱Patrick
^۲Gurley & Shaw
^۳Goldsmith
^۴David et al
^۵Kuznets
^۶Arestis
^۷Mckinnon
^۸Aluko & Ajay
^۹Shahbaz et al

نشانگر درجه باز بودن تجاری، POPDENS معیار تراکم جمعیت، SAVING نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی و متغیر POV معیار نسبت سرانه فقر است. POV_{320I} نشان‌دهنده درصد جمعیتی است که با قیمت‌های بین‌المللی در سال ۲۰۱۱ با کمتر از ۳/۲ دلار در روز زندگی می‌کنند (جی‌نانگتون، ۲۰۲۱). متغیر فقر مورد استفاده در تجزیه و تحلیل، توزیع اریب را نشان می‌دهند و علاوه بر این حاوی صفر هستند. بنابراین مطابق با بیاتی و همکاران (۲۰۰۷) این متغیر با استفاده از فرمول زیر تبدیل می‌شود:

$$POV = \text{sign}(POVI) * \log(1 + |POVI|)$$

درواقع معادله (۱)، رگرسیون پانل آستانه‌ای را نشان می‌دهد که در آن، $OPEN_{it}$ متغیر آستانه‌ای و γ ارزش حد آستانه‌ای درجه باز بودن تجاری است که باید برآورد شود. ارزش حد آستانه‌ای به پیروی از روش هانسن (۱۹۹۹) بر اساس برآورد رابطه بالا به ازای ازای مقادیر مختلف متغیر آستانه یعنی $OPEN_{it}$ و حداقل کردن مجموع مجذور خطاها بدست می‌آید. به عبارت دیگر آن میزان از متغیر آستانه که متضمن کمترین میزان مجموع مجذور خطا باشد، آستانه بهینه است. به منظور بررسی معناداری حد آستانه از آزمون خودپردازی ۳ هانسن (۱۹۹۶؛ ۲۰۰۰) استفاده شده است. هانسن (۱۹۹۶) روش خودپردازی را برای تقریب زدن توزیع مجانبی آماره آزمون پیشنهاد می‌کند که در پژوهش حاضر از این روش استفاده شده است. روش خودپردازی به صورت زیر اجرا می‌شود:

۱- در مرحله اول یک نمونه از اعداد تصادفی با میانگین صفر و واریانس یک را تولید کرده و $\eta_t = NID(0,1)$ و $X_t^* = \epsilon_t \eta_t$ را تعریف می‌نماییم.

۲- X_t^* را روی $\beta_0 + \beta_1 LGDPC_{it} + \beta_2 SAVING_{it} + \beta_3 POPDENS_{it}$ در معادله (۱) برای بدست آوردن مجموع مقید مجذورات باقیمانده‌ها و S^* رگرس می‌نماییم.

۳- X_t^* را روی $\beta_0 + A[OPEN_{it} \leq \gamma] * \beta_1 POV_{it} + A[OPEN_{it} > \gamma] * \beta_2 POV_{it} + \beta_3 LGDPC_{it} + \beta_4 SAVING_{it} + \beta_5 POPDENS_{it}$ برای بدست آوردن مجموع غیرمقید مجذورات باقیمانده‌ها، $S^*(\gamma)$ رگرس می‌نماییم.

۴- $w^*(\gamma) = \frac{T(S_1 - S_1(\hat{\gamma}))}{S_1(\hat{\gamma})}$ را محاسبه می‌کنیم، که در آن T تعداد مشاهدات و $w^* = \text{sup}W^*(\gamma)$ است. مراحل یک تا چهار را B بار تکرار کرده و آمار محاسباتی متناظر با تکرار b ام را با w_b^* نشان می‌دهیم. احتمال آزمون به صورت زیر بدست می‌آید:

$$p - \text{value} = (1/B)^* \sum_{b=1}^B L(w_b^* > w) \quad (2)$$

پس از انجام فرآیندهای ذکر شده و تکرار آن‌ها و بدست آوردن آماره مورد نظر می‌توان فرض صفر خطی بودن الگور را مورد آزمون قرار داد.

۴. یافته‌های پژوهش

هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر فقر بر توسعه مالی با در نظر گرفتن سطح باز بودن تجاری است. برای این منظور از اطلاعات آماری مربوط به ۳۵ کشور طی دوره ۲۰۰۰-۲۰۲۱ استفاده می‌شود. داده‌های مورد نظر از پایگاه داده بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول استخراج شده‌اند.

۴-۱. ویژگی آماری متغیرها

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرها

واکاوی نقش فقر بر گسترش توسعه مالی در کشورهای منتخب ۱۷۳

کشورهای در حال توسعه					متغیر
انحراف معیار	مینیمم	ماکسیمم	میانه	میانگین	
۰/۱۵۸۵۱۸	۰/۰۶۳۶۴۷	۰/۷۳۷۲۰۳	۰/۲۴۱۱۴۵	۰/۲۹۸۴۵۹	توسعه مالی
۴۹/۸۲۵۴۷	۲۲/۱۶۳۹۸	۳۲۲/۶۷۶۵	۸۰/۲۳۵۶۸	۸۸/۳۳۵۵۴	درجه باز بودن تجاری
۰/۵۱۱۵۹۹	۰/۰۰۰	۱/۸۳۲۵۰۹	۱/۰۱۹۱۱۱	۰/۸۲۲۶۳۰	نسبت سرانه فقر
۰/۷۶۷۷۰۷	۶/۶۰۹۹۴۷	۱۰/۲۵۲۸۶	۸/۵۹۴۴۷۰	۸/۵۷۴۳۲۲	لگاریتم درآمد سرانه
۶/۱۴۹۵۸۱	۰/۶۵۷۰۷۴	۳۳/۲۲۰۰۷	۲۰/۸۲۸۳	۲۰/۴۱۸۹۹	پس انداز
۲۳۶/۷۲۵۴	۵/۵۰۳۹۲۶	۱۵۷۵/۱۹۴	۶۵/۱۷۷۵۶	۱۱۵/۲۰۶۵	تراکم جمعیت

ماخذ: یافته‌های پژوهش

۲-۴. مانایی متغیرها

به منظور اجتناب از رگرسیون کاذب نخست مانایی متغیرها بررسی خواهد شد. در این پژوهش از آزمون لوین، لین و چو استفاده می‌شود. آزمون مانایی LLC از برتری نسبی در داده‌های دارای دوره زمانی محدود، در مقایسه با سایر روش‌ها برخوردار است. فرضیه صفر این آزمون بر نامانای بودن متغیرها دلالت دارد.

جدول (۲): مانایی متغیرها

نتیجه	سطح احتمال	آماره آزمون	
نامانا	۰/۲۶۳۱	-۰/۶۸۴۷۱	توسعه مالی
(مانا)	(۰/۰۰۰۰)	(-۷/۵۳۶۴۹)	
مانا	۰/۰۴۲۷	-۱/۷۲۳۹۹	درجه باز بودن تجاری
مانا	۰/۰۰۰۰	-۶/۵۵۰۵۲	نسبت سرانه فقر
مانا	۰/۰۰۰۰	-۸/۳۵۹۱۶	لگاریتم درآمد سرانه
مانا	۰/۰۰۰۱	-۳/۶۴۵۳۹	پس انداز
نامانا	۰/۴۹۸۵	-۰/۰۰۳۹۶	تراکم جمعیت
(مانا)	(۰/۰۰۰۰)	(-۷/۳۸۵۶۰)	

ماخذ: یافته‌های پژوهش

*اعداد داخل پرانتز بیانگر آماره آزمون و سطح احتمال متغیرها در تفاضل مرتبه اول است.

نتایج جدول (۲) نشان می‌دهد که برخی متغیرها در سطح و برخی با یکبار تفاضل گیری مانا شده‌اند.

۳-۴. آزمون هم‌انباشتگی

با توجه به اینکه برخی متغیرها در سطح نامانا هستند و نیز برای تعیین رابطه بلندمدت میان متغیرها بررسی وجود هم‌انباشتگی متغیرها حائز اهمیت است. جهت بررسی هم‌انباشتگی متغیرها از آزمون کائو استفاده شده است.

جدول (۳): نتایج آزمون هم‌انباشتگی کائو

سطح احتمال	آماره t
۰/۰۲	-۱/۹۶

ماخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول (۳) وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرها را تایید می‌کند و فرضیه صفر مبتنی بر عدم وجود هم‌انباشتگی در سطح معنای ۵ درصد رد می‌شود لذا بین متغیرهای مدل رابطه بلندمدت وجود دارد که در ادامه این رابطه بلندمدت برآورد می‌شود.

۴-۴. نتایج برآورد مدل آستانه‌ای

در ادامه نتایج برآورد مدل آستانه‌ای با روش ۲SLS، در جدول (۴) گزارش شده است.

جدول (۴): نتایج برآورد مدل آستانه‌ای

متغیر	ضریب	سطح احتمال
عرض از مبدا	-۰/۶۷۹۸۴۱	۰/۰۰۰۰
نسبت سرانه فقر در رژیم درجه باز بودن تجاری پایین	-۰/۱۲۳۲۸۸	۰/۰۰۰۰
نسبت سرانه فقر در رژیم درجه باز بودن تجاری بالا	-۰/۰۳۰۱۶۰	۰/۰۰۰۰
درآمد سرانه	۰/۱۱۱۹۰۳	۰/۰۰۰۰
پس‌انداز	۰/۰۲۳۸۰۶	۰/۰۰۰۰
تراکم جمعیت	۰/۰۰۰۰۲۳	۰/۰۰۰۷
آزمون خطی بودن هانسن	۹۶/۱۲	۰/۰۰۰۰
آزمون J سارگان (P-Value)	۰/۸۴	
ضریب تعیین	۰/۸۵	

ماخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج برآورد الگوی پژوهش را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

مدل با روش حداقل مربعات دو مرحله‌ای (۲SLS) برآورد شده و از وقفه متغیرهای توضیحی به عنوان متغیرهای ابزاری در مدل استفاده شده است تا بتوان مشکل درون‌زایی مدل را حل کرد. نتایج آزمون سارگان با سطح احتمال ۰/۸۴ بیانگر عدم ارتباط بین متغیرهای ابزاری با جزء اخلال است.

در ادامه حد آستانه درجه باز بودن اقتصاد، ۶۵٪ برآورد شده است که آزمون هانسن با مقدار آماره F به میزان ۹۶/۱۲ و سطح احتمال ۰/۰۰۰ بیانگر رد فرضیه صفر خطی بودن مدل در سطح معنای ۵ درصد و معنی داری حد آستانه بوده است. در مدل دو رژیم درجه باز بودن بالا و پایین وجود دارد و اثرگذاری فقر بر توسعه مالی به سطح درجه باز بودن تجاری بستگی دارد. هنگامیکه درجه باز بودن از ۷۱٪ کمتر باشد، افزایش فقر موجب کاهش شدیدتر توسعه مالی در اقتصاد می‌شود (ضریب فقر ۰/۱۰- است) و هنگامیکه درجه باز بودن بیشتر از ۷۱ درصد باشد، افزایش فقر موجب کاهش کمتری در توسعه مالی می‌شود (ضریب فقر

۰/۰۲- است) زیرا در شرایط باز بودن تنگناهای ناشی از فقر می‌تواند با افزایش درجه باز بودن و فرصت‌های مالی یک اقتصاد باز جبران شود.

لگاریتم درآمد سرانه تاثیر مثبت و معنی دار بر توسعه مالی داشته است. به عبارت دیگر هرچقدر سطح درآمد مردم بیشتر باشد در نتیجه پس‌انداز بیشتری نیز وجود خواهد داشت و افراد به دنبال سرمایه‌گذاری مازاد درآمد خود در بازارهای مالی خواهند بود که این امر تقاضا برای خدمات و ابزارهای مالی را گسترش می‌دهد و موجب توسعه مالی بیشتر در اقتصاد می‌شود.

نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی تاثیر مثبت و معنی داری بر توسعه مالی دارد. در واقع در یک مدل ساده اقتصاد کلان هر چقدر سهم پس‌انداز از درآمد ملی بیشتر باشد، پس‌اندازها عرضه و جوه برای سرمایه‌گذاری را بیشتر می‌کنند و در نتیجه بازارها و واسطه‌های مالی با عرضه و جوه بیشتری مواجه هستند که باید آن را به سرمایه‌گذاران و متقاضیان جوه و اعتبار وام دهند که در نتیجه این فرآیند مستلزم توسعه مالی در اقتصاد است. همچنین پس‌انداز بالاتر بدلیل نرخ بهره واقعی مثبت می‌تواند توسعه مالی را ارتقا دهد.

تراکم جمعیت تاثیر مثبت و معنی داری بر توسعه مالی دارد. همانطور که پیشتر بیان شد در مراحل اولیه توسعه مالی، کشورها معمولاً توسعه فعالیت‌های بخش مالی را در مناطق جغرافیایی با تراکم جمعیت بالا و ارائه‌دهنده بیشتر خدمات مالی آغاز می‌کنند. این امر به ویژه در شهرهایی با تراکم جمعیت بالا که دارای متوسط درآمد نسبتاً بالا و سطوح پایین فقر هستند، صادق است و در نتیجه تراکم جمعیت به طور مثبت با توسعه مالی مرتبط است.

ضریب تعیین یا تشخیص مدل نیز ۸۵ درصد بدست آمده است که نشان می‌دهد متغیرهای توضیحی مدل توانسته‌اند ۸۵ درصد تغییرات توسعه مالی را توضیح دهند که نشان از خوبی برازش مدل دارد.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش

هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر فقر بر توسعه مالی با در نظر گرفتن سطح باز بودن تجاری است. توجه اندک به تاثیر فقر بر توسعه مالی در ادبیات موضوع و همچنین عدم وجود مطالعات داخلی مربوط به این مبحث، نویسندگان را به بررسی تأثیر فقر بر توسعه مالی در کشورهای در حال توسعه ترغیب کرده تا این خلا در ادبیات را پر کنند. برای این منظور از روش حداقل مربعات دو مرحله‌ای مربوط به ۳۵ کشور طی دوره ۲۰۲۱-۲۰۰۰ استفاده شده است. نتایج برآورد مدل نشان می‌دهد که حد آستانه‌ای درجه باز بودن ۷۱ درصد است. هنگامیکه درجه باز بودن از ۷۱٪ کمتر باشد، افزایش فقر موجب کاهش شدیدتر توسعه مالی در اقتصاد می‌شود (ضریب فقر ۰/۱۰- است) و هنگامیکه درجه باز بودن بیشتر از ۷۱ درصد باشد، افزایش فقر موجب کاهش کمتری در توسعه مالی می‌شود (ضریب فقر ۰/۰۲- است) زیرا در شرایط باز بودن تنگناهای ناشی از فقر می‌تواند با افزایش درجه باز بودن و فرصت‌های مالی یک اقتصاد باز جبران شود. همچنین درآمد سرانه، پس‌انداز و تراکم جمعیت در کشورهای در حال توسعه اثری مثبت بر توسعه مالی داشته‌اند. در واقع توسعه مالی برای توسعه اقتصادی ضروری است و می‌تواند با بسیج و هدایت پس‌انداز به سمت سرمایه‌گذاری‌های مولد، بهینه‌سازی تخصیص سرمایه و جذب جریان‌های سرمایه خارجی منجر به رشد اقتصادی شود. منابع مالی در دسترس کشورهای در حال توسعه محدود هستند از این روی این کشورها برای تامین مالی مورد نیازشان مستلزم تعمیق بخش مالی داخلی هستند. یکی از ابزارهای دستیابی به این هدف می‌تواند اتخاذ تدابیری برای توسعه سرمایه انسانی و در نتیجه کاهش فقر باشد. برای پژوهش‌های آتی می‌توان تاثیر فقر بر توسعه مالی با در نظر گرفتن عوامل متعددی مانند نرخ پس‌انداز، درجه باز بودن مالی، درجه تنوع محصول صادراتی، کیفیت نهادی و حاکمیتی مورد بررسی قرار داد.



- Aluko, O. A., & Ajay, M. A. (۲۰۱۸). Determinants of banking sector development: Evidence from Sub-Saharan African countries. *Borsa Istanbul Review*, ۱۸(۲), ۱۲۲-۱۳۹.
- Arestis, P. (۲۰۰۵). Financial liberalization and the relationship between finance and growth. In CEPP working paper No. ۰۵/۰۵. United Kingdom: University of Cambridge.
- Ashraf, B. N. (۲۰۱۸). Do trade and financial openness matter for financial development? Bank-level evidence from emerging market economies. *Research in International Business and Finance*, ۴۴, ۴۳۴-۴۵۸.
- Azariadis, C., & Stachurski, J. (۲۰۰۵). Poverty traps. In P. Aghion, & S. Durlauf (Eds.), *Handbook of economic growth* (vol. ۱). Elsevier, chapter ۵.
- Bain, L. E., Awah, P. K., Geraldine, N., Kindong, N. P., Siga, Y., Bernard, N., et al. (۲۰۱۳). Malnutrition in sub-Saharan africa: Burden, causes and prospects. *The Pan African Medical Journal*, ۱۵(۱۲۰).
- Baltagi, B. H., Demetriades, P. O., & Law, S. H. (۲۰۰۹). Financial development and openness: Evidence from panel data. *Journal of Development Economics*, ۸۹(۲), ۲۸۵-۲۹۶.
- Banerjee, A., & Duflo, E. (۲۰۱۴). Do firms want to borrow more: Testing credit constraints using a targeted lending program. *The Review of Economic Studies*, ۸۱, ۵۷۲-۶۰۷.
- Carvalho, L., Meier, S., & Wang, S. W. (۲۰۱۶). Poverty and economic decision making: Evidence from changes in financial resources at payday. *The American Economic Review*, ۱۰۶(۲), ۲۶۰-۲۸۴.
- Cole, S., Paulson, A., & Shastry, G. (۲۰۱۴). Smart money? The effect of education on financial outcomes. *The Review of Financial Studies*, ۲۷(۷), ۲۰۲۲-۲۰۵۱.
- Collier, P., & Dollar, D. (۲۰۰۲). Aid Allocation and Poverty Reduction. *European Economic Review*, ۴۶(۸), ۱۴۷۵-۱۵۰۰.
- David, A. C., Mlachila, M., & Moheput, A. (۲۰۱۴). Does openness matter for financial development in Africa? In IMF working paper WP/۱۴/۹۴. Washington, D.C: International Monetary Fund.
- Galbraith, J. (۱۹۵۸). *The affluent society*. Boston: Houghton-Mifflin.
- Gnangnon, S. K. (۲۰۱۹). Poverty and export product diversification in developing countries. *The Journal of International Trade & Economic Development*, ۲۹(۲), ۲۱۱-۲۳۶.
- Gnangnon, S. K. (۲۰۲۰). Do poverty rates matter for the degree of trade openness in developing countries? *Journal of International Commerce, Economics and Policy*, <https://doi.org/10.1111/1477-8454.12200>?af=R.۱-۲۲.
- Gnangnon, S. K. (۲۰۲۱). Effect of poverty on financial development: Does trade openness matter?. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, ۸۲, ۹۷-۱۱۲.
- Goldsmith, R. W. (۱۹۶۹). *Financial structure and development*. New Haven: Yale University Press.
- Gurley, J. G., & Shaw, E. S. (۱۹۵۵). Financial aspects of economic development. *The American Economic Review*, ۴۵(۴), ۵۱۵-۵۳۸.
- Hansen, B. E. (۱۹۹۶). Inference When a Nuisance Parameter is not Identified under the Null Hypothesis. *Econometrica*, ۶۴(۲), ۴۱۳-۴۳۰.
- Hansen, B. E. (۱۹۹۹). Threshold Effects in Non_Dynamic Panels: Estimation, Testing, and Inference. *Journal of Econometrics*, ۹۳(۲), ۳۴۵-۳۶۸.
- Hansen, B. E. (۲۰۰۰). Sample Splitting and Threshold Eetimation. *Econometrica*, ۶۸(۳), ۵۷۵-۶۰۳.
- Hanson, J. L., Hair, N., Shen, D. G., Shi, F., Gilmore, J. H., Wolfe, B. L., & Pollak, S. D. (۲۰۱۳). Family poverty affects the rate of human infant braing rowth. *PLoS One*, ۸(۱۲), ۱-۹.
- Hatemi_J, A., & Shamsuddin, M. (۲۰۱۶). The Causal Interaction between Financial Development and Human Development in Bangladesh, *Applied Economic*, pp, ۲-۴.

- Hill, M. S., & Sandfort, J. R. (۱۹۹۵). Effects of childhood poverty on productivity later in life: Implications for public policy. *Children and Youth Services Review*, ۱۷(۱-۲), ۹۱-۱۲۶.
- Ibrahim, M., & Sare, Y. A. (۲۰۱۸). Determinants of financial development in Africa: how robust is the interactive effect of trade openness and human capital? *Economic Analysis and Policy*, ۶۰, ۱۸-۲۶.
- Khan, M. A., Gu, L., Khan, M. A., & Oláh, J. (۲۰۲۰). Natural resources and financial development: The role of institutional quality. *Journal of Multinational Financial Management*, ۵۶, Article ۱۰۰۶۴۱.
- Khan, Z., Hussain, M., Shahbaz, M., Yang, S., & Jiao, Z. (۲۰۲۰). Natural resource abundance, technological innovation, and human capital nexus with financial development: A case study of China. *Resources Policy*, ۶۵, Article ۱۰۱۵۸۵.
- Kim, D.-H., Lin, S.-C., & Suen, Y.-B. (۲۰۱۰). Dynamic effects of trade openness on financial development. *Economic Modelling*, ۲۷(۱), ۲۵۴-۲۶۱.
- Kletzer, K., & Bardhan, P. (۱۹۸۷). Credit markets and patterns of international trade. *Journal of Development Economics*, ۲۷, ۵۷-۷۰.
- Kuznets, S. (۱۹۵۵). International differences in capital formation and financing. In *Capital formation and economic growth*. pp. ۱۹-۱۱۱. National Bureau of Economic Research Inc.
- López, H. (۲۰۰۶). Does poverty matter for growth. In G. E. Perry, O. S. Arias, J. H. López, W. F. Maloney, & L. Servén (Eds.), *Poverty reduction and growth: Virtuous and vicious circles* (pp. ۱۰۳-۱۲۸). Washington, DC: World Bank Publications, chapter ۶.
- McKinnon, R. I. (۱۹۷۳). *Money and capital in economic development*. Washington, DC: Brookings Institution.
- Mirza, M. U., Richter, A., van Nes, E. H., & Scheffer, M. (۲۰۱۹). Technology driven inequality leads to poverty and resource depletion. *Ecological Economics*, ۱۶۰, ۲۱۵-۲۲۶.
- Mullainathan, S., & Shafir, E. (۲۰۱۳). *Scarcity: Why having too little means so much*. New York, NY: Time Books, Henry Holt & Company LLC.
- Patrick, H. T. (۱۹۶۶). Financial development and economic growth in underdeveloped countries. *Economic Development and Cultural Change*, ۱۴, ۱۷۴-۱۸۹.
- Rajan, R. G., & Zingales, L. (۲۰۰۳). The great reversals: The politics of financial development in the twentieth century. *Journal of Financial Economics*, ۶۹(۱), ۵-۵۰.
- Sachs, J. (۲۰۰۵). *The end of poverty: How we can make it happen in our lifetime*. London, UK: Penguin Group.
- Shahbaz, M., Mallick, H., Mahalik, M. K., & Hammoudeh, S. (۲۰۱۸). Is globalization detrimental to financial development? Further evidence from a very large emerging economy with significant orientation towards policies. *Applied Economics*, ۵۰(۶), ۵۷۴-۵۹۵.
- Sibel, B. E., Kadir, Y. E., & Ercan, D. (۲۰۱۵). Local financial development and capital accumulations: Evidence from Turkey. *Panoeconomicus*, ۶۲, ۳۳۹-۳۶۰.
- Yeyati, E. L., Panizza, U., & Stein, E. (۲۰۰۷). The cyclical nature of North-South FDI flows. *Journal of International Money and Finance*, ۲۶, ۱۰۴-۱۳۰.
- Zhang, C., Zhu, Y., & Lu, Z. (۲۰۱۵). Trade openness, financial openness, and financial development in China. *Journal of International Money and Finance*, ۵۹, ۲۸۷-۳۰۹.
- Zulher, Z., & Ratnasih, C. (۲۰۲۱). *Financial Development and Poverty Reduction in Developing Countries*. *Accounting*, ۷(۳), ۶۶۷-۶۷۴.



Analyzing the role of poverty in financial development in selected countries

Saeed Iranmanesh¹

Abstract

Poverty and economic inequality is a permanent problem that has always created challenges for societies. In this study, the role of poverty as one of the indicators of economic inequality in the spread of financial development has been investigated. In addition, the current research seeks to answer the question whether the impact of poverty on financial development depends on the level of trade openness of countries or depends on other factors. To achieve the aforementioned goals, a threshold panel model has been used for ۳۵ developing and developed countries during the time period of ۲۰۰۰-۲۰۲۱. Also, in order to avoid the endogeneity problem, the ۲SLS method and the use of instrumental variables have been used. The results indicate that as long as the degree of commercial openness is less than ۷۱%, the increase in poverty causes a sharper decrease in financial development in the economy, and when the degree of openness is greater than ۷۱%, the increase in poverty causes a smaller

¹Corresponding Author, Department of Economic and Accounting, Faculty of Management, Economic & Accounting, University Of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran. E-mail: saeed.iranmanesh@yahoo.com

decrease in financial development. Also, the results of the model estimation show that the logarithm of per capita income, savings and population density have a positive and significant effect on financial development. The general conclusion indicates that increasing the degree of openness of the economy reduces the limiting effects of poverty on the expansion of financial development.

Classification: G۲۰, D۶۳, C۳۳

Keywords: Poverty, financial development, income inequality, threshold panel model